# اشنایی با زنده یاد عاشور پور

در آن سالها" انزلی" به دروازه ی اروپا شهره بود و مهاجرین روس و ترکهای باکو و مردم ارامنه در این شهر تردد و زندگی میکردند و فرهنگ ونوع خاص موسیقی این گروه ها بر روی عاشورپور جوان تاثیر فراوانی گذاشت.

اولین بار صدای" قمرالملوک وزیری" و" روح انگیز" او را به موسیقی جلب کرد و تقلید صدای این دو باعث شد که اطرافیان و همکلاسی هایش به صدای زیبای او پی ببرند ومشوق او در ادامه این راه شوند.

استعداد شگرف او باعث شد که با گوش دادن به آهنگهای محلی و اپراهای ترکی مجددا آنها را با صدای خویش در جمع دوستان اجرا کند.

پس ازاتمام دانشکده در سال 1322 به توصیه "کریم کشاورز" به استخدام" وزارت کشاورزی" در آمد و در همین سال نیزبه" ابوالحسن صبا" معرفی شد و بعد از قبول شدن در آزمون ورودی" صبا" به" رادیو ایران" معرفی گردید.

چند وقتی بعد به توصیه یکی از دوستانش در کلاس آواز ثبت نام کرد و تحت نظر استادی به نام" لیلی بارا "که خود از خوانندگان سابق" اپرای وین" بود به تلمذ رمز و راز آوازکلاسیک پرداخت.

او در این سالها همراه با "غلامحسین بنان" و "یحیی معتمد وزیری" و "عبدالعلی وزیری " یکی از چند تن خوانندگان انجمن ملی موسیقی شد، جایی که بزرگانی چون: خالقی ،صبا ، محجوبی،تهرانی و ...به خلق و نوازندگی آثار خویش مشغول بودند.

در سال 1325 در محل انجمن ، "غلامحسین بنان" تصنیفی را بنام"تبریز" اجرا نمود که بر علیه" فرقه ی دموکرات آذربایجان"بود و این تصنیف باعث شد که" عاشور پور" جوان برای همیشه رادیو را ترک گوید.

در سال 1326 برای اولین بار صدایش را روی ده صفحه گرامافون پر کرد...

در سالهای دانشکده همکلاس حسین ملک _ برادر خلیل ملکی _ شد و همو باعث شد که به فعالیت سیاسی کشیده شود .

خود می گفت: علاقه به مردم و تنفر از بریتانیای کبیر او را به سمت "حزب توده" سوق داد والبته نسبت به" آلمان" و" آدولف هیتلر" هم بدلیل نطق های ضد انگلیسی اش سمپاتی پیدا کرد.

در سال 1326 او هم جزو انشعابیون "حزب توده" شد ,هر چند که "خلیل ملکی" او را از امضای بیانیه حزب جدید معاف کرد چرا که قرار بود برای ادامه تحصیل به "کنسرواتور آذربایجان شوروی" برود و اگر نام او در بین امضاء کنندگان دیده می شداز این امتیاز محروم می شد.

اما او بعدا بدلیل استغفار نامه ای که در روزنامه حزب نوشت از رفتن به آنجا باز ماند.

چندین روز قبل از هنگامه ی 28 مرداد سال 1332 او همراه با 118 نفر به" فستیوال جهانی جوانان احزاب چپ جهان "در" بخارست" رومانی اعزام شد.

سه هفته بعد از کودتا به "انزلی" بازگشتند و همگی دستگیر شدند و سوار بر کامیون های ارتشی راهی" شهربانی تهران" شدند.

او را همراه با" ثمین باغچه بان" و "پرویز خطیبی" و "دکتر آیدین" به پادگان "باغ شاه" بردند و یک هفته بعد به قلعه "فلک الافلاک" خرم آباد منتقل کردند.

یک ماه بعد همراه با 49 نفردیگر به مدت شش ماه به جزیره خارک تبعید شد و پس از گذراندن این مدت به شهربانی" اهواز" منتقل و به دو سال و ده روز زندان دوباره محکوم گردید.

بعد از رهایی از زندان با اصرار "ثمین باغچه بان" و "حسین ناصحی" فعالیت در وادی موسیقی را دوباره آغاز کرد.

با ارکستری به رهبری" میرنقیبی" بمدت دو سال در رادیو ترانه خواند،آهنگ هایی محلی و دیگر ساخته های خودش را با اشعار خودش و شعرایی چون: شهدی لنگرودی ، محمود پاینده لنگرودی ،جهانگیر سرتیپ پور و... از ترانه های مشهور او می توان به : جمعه بازار،خروسخوان،پاچ لیلی،جینگه جینگه جان،سیمای جان،گلبانو،اوهوی مار و...اشاره کرد

در سال 1338 کار در رادیو را رها کرد و از آن پس بیشتر برای رفقایش آواز خواند.

در همین سال بعنوان ریاست آبیاری "فارس و بنادر" مشغول بکار شد.

تا اینکه انقلاب شد و "عاشورپور "در زمان نخست وزیری "مهندس مهدی بازرگان "به سمت مدیر عاملی" کشت و صنعت مغان" انتخاب گردید.

بعد از گذشت یازده ماه بدلیل پیشینه ی سیاسی اش او را از کار برکنار و بازنشسته کردند و چند سالی بعد به اروپا مهاجرت کرد و اواسط دهه ی هفتاد به ایران بازگشت.

تصویر آخر

او آرميده است، در خاك زادگاهش- غازيان- كه عاشقانه دوستش مي‌داشت.

آن چشم پراميد و آن صداي نفيس حالا زير خاك يخ‌زده خفته است.

او جاودانه است در سينه‌ي موسيقي ايران زمين، در حافظه‌ي پير و جوان، در خاطرات وعاشقانه‌هاي‌شان، در شادي‌هايشان و ...

حيف بود كه بميرد.

توضیح:

«جينگه» نام يكي از ترانه‌هاي جاودانه‌ي اوست و كنايه از جنگجو دارد.

عكس‌هاي بيمارستان از" فرين حسين روحانيان"

منابع :

گفتگوی شفاهی نگارنده با زنده یاد عاشورپور

کتاب آفتاب خیزان،دریا توفان ، زندگی و آثار عاشورپور به کوشش حسین حقانی ،بابک ربوخه و محمد رضایی راد. نشر چشمه 1384

**?????? ???? ????????? ??????**

?????? ???? ????????? ???????????????? ??????? ???? ????????? ??????? ?????? ??????? ???? ?????
?????? ???????? ????? ??? ???????? ????? ????? ????? ????? ?????? ??????? ??????? ??????? ???????
??????? ?????????? ????? ????? ?????????? ???? ???? ????????? ??????

---

نویسنده: فرشته امدادی، تاریخ ارسال: دوشنبه 28 اسفند 1396 ساعت 11:35 قبل از ظهر